

یادبود

نگاهی به مقاله «دهخدا در میان بختیاری‌ها» (با یاد و خاطره دکتر مظفر بختیار)

امیر ضیغمی*

دکتر مظفر بختیار، ایران‌شناس، نسخه‌پژوه، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و استاد ممتاز دانشگاه پکن، ۲۸ آذرماه ۱۳۲۲ خورشیدی در خانواده‌ای فرهنگ‌دوست و هنرپرور دیده به جهان گشود. او از جانب پدر، نوه فتحعلی‌خان سردارمعظم، فرزند لطفعلی‌خان امیرمفتح، ایلخانی نامدار بختیاری و از سوی مادر از تبار مستوفی‌المالک‌ها و معیرالمالک‌ها^۱ بود. استاد بختیار در سال ۱۳۴۲ خورشیدی تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۵۵ با دریافت درجه دکتری، از آن دانشگاه فارغ‌التحصیل شد.

بختیار، ادیبی صاحب‌ذوق و هنرشناسی متبحر بود. علاقه او به میرزا غلامرضا اصفهانی (۱۲۴۶-۱۳۰۴ق)، خوشنویس نامدار عصر قاجار، در میان کسانی که با وی حشرونشر داشته‌اند، زبازد است. کتاب *ارجمند الفقیر غلامرضا (مجموعه آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا اصفهانی)* (کتابسرای نیک، ۱۳۹۸) که پس از درگذشت او و به‌همت فرزند برومندش، زروان بختیار منتشر شد، حاصل همین علاقه و ارادت چهل‌ساله او به میرزا بوده است. استاد بختیار سال‌های پایانی عمر را به‌دور از قیل‌وقال دعوی‌داران عصر و در خلوت رهیده از ابتذال خویش زیست و سرانجام در ۲۳ مردادماه ۱۳۹۴ در تهران درگذشت و در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

* پژوهشگر دانشگاه روسی - ارمنی (اسلاونی)، ایروان

amir.zeyghami@rau.am | ORCID: 0000-0002-0901-0569

^۱ درباره رجال برخاسته از این خاندان هنردوست، نک: معیرالمالک، دوستعلی‌خان (۱۳۹۰)، *رجال عصر ناصری*، تهران: نشر تاریخ ایران.

استاد بختیار بسیاردان و کم‌نویس بود و در نوشتن دقتی وسواس‌گونه داشت؛ این ویژگی به‌گان نگارنده از شخصیت نادره‌جو و ابتدال‌گریزش نشأت می‌گرفت. دانش او نیز از زمره اطلاعات مشترک بین همگان و از مقوله «شبه‌علم افواهی» نبود؛ آنچه بر زبان و قلمش جاری می‌شد، حاصل توغل و تتبع او در میراث ماندگار ادب فارسی بود. فضلش نیز قرین فضیلت بود، فصاحتی که در گفتار و متانتی که در رفتارش موج می‌زد، احترام همگان، از وضع و شریف را برمی‌انگیخت. در نثر نیز اسلوب خاص خود را داشت؛ مقدمه او بر مرقع‌نی‌نامه جامی با آنکه ملو از اصطلاحات فنی کتاب‌آرایی و نسخه‌پردازی است، بسیار استوار و دلنشین، و نمونه‌ای فصیح از نثر معاصر فارسی است.

از مهم‌ترین آثار او می‌توان به بررسی نسخه‌های خطی اسلامی در چین (به زبان انگلیسی)^۱، مرقع‌نی‌نامه جامی (مقدمه و تصحیح)، شکوه ایران، آداب فتوت (ترجمه) و مجموعه آثار رضا عباسی اشاره کرد.

نگارنده در این یادداشت به معرفی مقاله‌ای از استاد بختیار تحت عنوان «دهخدا در میان بختیاری‌ها و آغاز تألیف لغت‌نامه در بختیاری» پرداخته، این مقاله در شماره ۴۷ (بهمن و اسفند ۱۳۸۴) مجله فرهنگی و هنری بخارا به چاپ رسیده‌است.

مقاله مزبور، به‌خواستاری دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی و بر پایه اسناد و مدارک خانوادگی و شنوده‌های مؤلف دانشمند آن نگاشته شده‌است و بر اطلاعات ما از زمان اقامت علامه دهخدا (بین سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۳۴ قمری) در محال بختیاری و نحوه زندگی او در آن دیار می‌افزاید. بر پایه آنچه در مقاله مذکور آمده‌است، دهخدا چندی پس از ورود به بختیاری، به دعوت لطفعلی‌خان امیرمفتح و فرزند او، فتحعلی‌خان سردارمعظم، در ملک اختصاصی امیر، در روستای دژک رحل اقامت افکند و دو اطاق اختصاصی با همه وسایل و خدمتگذار خاص، در اختیار او گذاشته شد. بخشی از آنچه در مقاله آمده، از زبان همین خدمتگذار سالخورده نقل شده‌است. از معاشران و مصاحبان دهخدا در قلعه دژک، می‌توان به دکتر امین‌الاطباء اصفهانی، طبیب خانوادگی مقیم دژک اشاره کرد. دهخدا با اقامت در قلعه دژک، نه تنها از گزند بدخواهان

^۱ این کتاب در سال ۱۳۹۹ به‌همت دکتر احمدرضا آریان به فارسی ترجمه شد. ناشر این اثر، نشر مجمع ذخائر اسلامی است و تن هوی جو نیز مقدمه‌ای بر آن نگاشته‌است.

مصون ماند، بلکه فرصت یافت تا از کتابخانه «مکتسب و موروث» ایلخانی دانشمند بختیاری نیز بهره گیرد. استاد بختیار، محوطه کتابخانه مزبور را چنین توصیف کرده است:

کتابخانه، در یکی از به اصطلاح آن زمان، انبارهای ته برج عمارت بود. از دوره کودکی که سال‌ها پس از انتقال کتابخانه به تهران هنوز مقدار زیادی از کتاب‌های مورد علاقه بی‌بی‌کوکب^۱ در آنجا باقی مانده بود، محوطه کتابخانه را به یاد دارم. کتاب‌ها بنا بر نفاست، درون صندوق‌ها و در رف‌ها و گنجه‌هایی چوبی به طرز کتابداری قدیم به‌طور خوابانده چیده شده بود و نام هر کتاب بر عطف جلد یا لبه برش نمایان بود.

در چنین محیطی بود که «دهخدای جوان روزنامه‌نگار آن زمان» توانست، مواد اولیه لغت‌نامه و امثال و حکم را فراهم آورد. استاد بختیار، بر اساس تاریخ‌های ثبت‌شده در کتابخانه قلعه دژک، احتمال داده است که دهخدا از ماه شعبان سال ۱۳۳۳ قمری تا ذی‌حجه سال بعد در بختیاری اقامت داشته و در توضیح قید احتمال نوشته است:

برگه‌های اول دفترهای مزبور که به رسم و روش آن زمان، بر طبق تقویم برجی سال‌گذاری شده، افتادگی و دست‌فروستگی دارد و نام و عدد سال درست، واضح و مشخص نیست یا ساییده شده. فقط در یک دفتر با دقت نظر «سال قوی‌نیل» به چشم می‌آید. اصولاً هم مندرجات دفترها فقط قرینه‌ای است بر بخشی از مدت اقامت دهخدا در بختیاری.

اطلاع ارزشمند دیگری که استاد بختیار از دفترهای کتابخانه دژک به دست داده، عناوین کتاب‌هایی است که محل رجوع دهخدا بوده و او مواد اولیه لغت‌نامه و امثال و حکم را از آنها استخراج کرده است، که از آن میان می‌توان به شاهنامه، دیوان منوچهری و فرخی، خمسه نظامی، دیوان خاقانی، مجلدات مختلف الاغانی، منتهی الارب، تحفه حکیم مؤمن و بخش‌هایی از ناسخ‌التواریخ اشاره کرد.

اما پرسشی که از آغاز ممکن است برای برخی از خوانندگان این مقاله پیش آید این است که چگونه میان دهخدای روزنامه‌نگار آزادی‌خواه و ایلخانی بختیاری طرفدار استبداد، پیوند

^۱ برای آگاهی درباره این بانوی فرهیخته، نک: رضایی، حمید (۱۳۸۲)، «سفرنامه بی‌بی‌کوکب بختیار (نخستین سفرنامه یک بانوی ایرانی به فرنگستان)»، بخارا، شم ۳۳-۳۴، آذر و اسفند: ۹۸-۱۱۵.

دوستی و مودت برقرار شده‌است؟ آن هم بدان حدّ که دهخدا از گزند دشمنان و بدخواهان به حریم امن قلعه دژک پناه برد. نگارنده مقاله مورد بحث، خود به این موضوع اندیشیده و از باب دفع دخل مقدر نوشته‌است:

ارتباط دهخدا با مرحوم امیرمفخم از روی هم‌مسلكی و هم‌عقیدتی نبوده‌است. در سنت روزگاران گذشته، در روابط مردمان فرزانه و آزاده و پاک‌نهاد، بی‌آنکه ریایی هرگر در میان باشد و آید و ارزش‌های اخلاقی خدشه‌پذیر گردد، شمار دوستی و آزادگی و جوانمردی با سایر چیزهای تفرقه‌انگیز یکسره از هم جدا بود و هر کدام جای خود را داشت بهنگام. اما منطق و برداشت مطلق‌گرایی عامه در ارزیابی روابط انسانی غالباً با چنین اصولی سازگار نیست.

حال بهتر می‌توان درک کرد که چرا دهخدا از زندگی در میان بختیاری‌ها و اقامت در قلعه دژک صراحتاً صحبتی نکرده‌است؛ به عقیده استاد بختیار:

علت آنکه دهخدا درباره دوران اقامت خود در بختیاری و نزد خوانین طرفدار استبداد نخواست‌است با صراحتی که انتظار می‌رود چیزی بگوید یا بنویسد، همچنان که خود او در موردی در مقام اعتدال به فرزند مرحوم امیرمفخم اظهار داشته، نگرانی از همین‌گونه قضاوت‌های مطلق و باطل و ترس از تهمت نفاق و تأثیر آن در شهرت آزادی‌خواهی او به معیارهای زمانه بوده‌است.

نکته ارزشمند دیگری که در این مقاله به آن اشاره شده، قطعات و قصایدی است که ملک‌الشعراء بهار در زمان اقامت خود در قلعه دژک درباره بختیاری و بختیاری‌ها سروده‌است. استاد بختیار نوشته‌است:

[این اشعار را] سال‌ها پیش با یادداشت‌هایی سودمند در دفتری مرتب به‌خط خود ملک، نزد مرحوم جمشیدخان امیربختیاری که از دوستان نزدیک و همدم او بود، دیده بودم، فی‌دائم به چه علت یا ملاحظه، این اشعار در چاپ‌های دیوان ملک‌الشعراء بهار نیامده‌است و آن دفتر اکنون کجاست؟

عکس‌ها و اسنادی نیز که ضمیمه مقاله مزبور است، بر ارزش آن می‌افزاید.

در پایان بد نیست به خاطره‌ای از دوران اقامت دکتر بختیار در چین اشاره کنم. ایشان نقل می‌کرد که روزی در مسجدی در ایالت سین‌کیانگ از امام آن مسجد که فارسی را به شیوایی و به اسلوب تاجیکان سخن می‌گفت پرسیده بود که آیا او اصل و نسب تاجیکی دارد و امام مسجد در پاسخ گفته بود که «امام در چین بی فارسی دانستگی امام کامل نیست، عربی دانستگی نونهاده است».

بارها و بارها دلم برای دیدار دوباره او در منزل مسکونی‌اش در زعفرانیه تنگ شده‌است، ولی افسوس که رفتگان این راه دراز را بازآمدنی در کار نیست. یادش گرامی!

منزل عدم و جاده نفس ما همه رهرو رنج عبثی می‌کشد این قافله با هیچ